

## حدیث‌پژوهی از منظر روش‌های معاصر: بررسی روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث در میان خاورشناسان و اصطلاحات نوپدید آن

فهیمة غلامی‌نژاد\*

DOI: 10.22096/rc.2026.2071490.1272

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶]

### چکیده

با گذشت زمان، نوع مسئله‌ها، روش تحقیق و نظریه‌پردازی اسلام‌شناسان غربی در حوزه مطالعات بین‌المللی در حدیث تطور یافته است؛ از این رو آشنایی با روش خاورشناسان در تاریخ‌گذاری احادیث و مفاهیم و اصطلاحات آن و میزان ثمربخشی شیوه آنان در تأیید و عدم تأیید روایات از ضرورت‌های این پژوهش است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نخست، انواع روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث به‌منزله یکی از روش‌های نوین علمی و گشایش راه‌های جدید برای فهم و درک احادیث، تعریف و تبیین می‌شود و سپس مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات کاربردی در این زمینه معرفی می‌گردد. نتایج بیانگر آن است که با استفاده از روش تاریخ‌گذاری احادیث به‌خصوص روش تحلیل اسناد-متن به‌طور توأمان، می‌توان به نتایج کارآمدی چون واضح و آشکار شدن اختلاف اسانید و طرق مختلف راویان حدیث که اکثراً با ترسیم طرق نقل در شبکه اسناد حدیث و نیز به دست آوردن سیر تطوری متون حدیثی که با بررسی منابع مختلفی که این حدیث در آنها نقل

\* دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث.

Email: fahimeh.gholaminejad@iran.ir



۲۳۶ دین‌دنیای معاصر / سال ۱۲ / شماره ۱ / پیاپی ۲۲ / صص ۲۳۵-۲۵۷

شده و نیز دستیابی به اطلاعات رجالی راویان و ترجمه آنها و فضای تاریخی حدیث و بازیابی اندیشه‌های راوی در مطاوی متون حدیث، که گاه به صورت توضیحی ذکر شده است، دست یافت؛ همچنین درک دقیق مطالب پیش‌زمینه‌ای و مفاهیم و اصطلاحات نوپدید در حیطه فهم روش تاریخ‌گذاری احادیث از نتایج مهم این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** روش‌های معاصر حدیث‌پژوهی؛ تاریخ‌گذاری احادیث؛ مفاهیم و اصطلاحات نوپدید؛ موتسکی.

## ۱. مقدمه

از آنجا که تفسیر آیات قرآن نیاز به تبیین دارد، پیامبر گرامی اسلام پرده اجمال و نهفته‌های آن را با گفتار و کردار و اشارات خود آشکار می‌ساخت و با حدیثی، علم مخزون در سینه خود را باز می‌کرد. بدین روی دو منبع قرآن و سنت درگذر تاریخ، همواره مسلمانان را ارشاد می‌کرد و در تکامل امت و نسل‌های بعد از آن، همراه آنان بوده است؛ اما به تدریج و گذر زمان، فهم‌های نادرست مردمان، عیار و خلوص حدیث را در گرداب حوادث تنزل داد و سره با ناسره در هم آمیخت. دیری نپایید که نقد و تحلیل روایات اسلامی که درگذر زمان، غبار زمان‌زدگی و دست‌بردگی بشری را تجربه کرده بود، دغدغه دین‌پژوهان مسلمانان در عرصه حدیث‌پژوهی شد. در این میان، خاورشناسانی که به واسطه آشنایی با تمدن مسلمانان به پژوهش در حدیث اسلامی، شکاکانه یا همدلانه به بررسی حدیث پرداختند و بدین گونه ملاحظات محافظه‌کارانه مسلمانان را در باب حدیث فروریختند در بند رد یا تأیید قاطعانه حدیث نیز نبوده‌اند. این بررسی در غرب در مقیاسی گسترده در مطالعه تاریخ، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و نقد ادبی در حدیث همراه است. رهاورد این کنکاش‌ها خلق روش‌ها و اصطلاحات نوپدید، تطورات و بازشناسی حدیث اسلامی است که همگی برای تبیین و توضیح و روشن‌سازی دقیق‌تر متون حدیثی به‌منزله داده‌های تاریخی یا نقد تاریخی صورت گرفته است. پژوهشگران عرصه مطالعات تاریخی احادیث، معتقدند روایات، تکه‌هایی از آینه‌های شکسته‌ای هستند که آنچه واقعاً اتفاق افتاده است را منعکس می‌کنند؛ از این رو می‌توان برای بازسازی تاریخ اسلام از روایات استفاده کرد.<sup>۱</sup> از این رو، محتوای روایات نقش مهمی در انتقال پیام و تأثیرگذاری بر مخاطب خواهد داشت، به توسعه دلالت‌های متنی می‌انجامد و اشتیاق خواننده را برای درک معنا می‌افزاید.

خاورشناسان براساس این هدف از رویکردهای مختلفی از جمله رویکرد تاریخ‌گذاری احادیث برای بررسی روایات بهره می‌برند و به دنبال کشف هسته اولیه روایت در محدوده زمانی خاصی هستند و تغییراتی همچون تبدیل، شرح و بسط، جعل و ادراج در حوزه بررسی متن حدیث و همچنین تعلق راویان به منطقه و جریان خاص حدیثی، حلقه مشترک اصلی (Common link (CL)) و فرعی (Partial common link (pcl)) را در حوزه بررسی سند مورد توجه قرار می‌دهند.<sup>۲</sup>

1. Harald Motzki, *The Biography of Muhammad the Issue of The sources* (Leiden: Brill, 2000), 170.

2. Harald Motzki, "Introduction – Hadith, origins and Developments", In *Hadith*, ed. H. Harald Motzki (Aldershot: Routledge, 2004), 283.

از مهم‌ترین خاورشناسان و اسلام‌پژوهان غربی معاصر در عرصه تحلیل اسناد- متن می‌توان به «شاخت» اشاره کرد. شاخت براساس ترسیم شبکه اسناد و تحلیل آن، اصطلاحات نوین را ارائه داده است که این اصطلاحات ابداعی وی، بسیار مورد توجه محققان غربی واقع گردید و در مطالعات حدیثی غرب به کار گرفته شد؛ همچنین یکی از اصول و دیدگاه مهم شاخت این است که سند برخی احادیث جعلی و ساختگی است.<sup>۱</sup>

البته به باور نویسنده، شاخت درباره سند حدیث و بررسی آن دچار اشتباهاتی شده است؛ مثلاً معتقد است در احادیث فقهی، حتی یک حدیث صحیح هم وجود ندارد؛ از این‌رو در بررسی سندهای احادیث فقهی که نشان می‌دهند این احادیث از طریق افراد مؤثق و با سندی متصل از دوران مؤلفان آنها در قرن سوم تا پیامبر (ص) ادامه یافته است برای اینکه بر این اعتقاد نادرست خود، صحه بگذارد، اساساً بخشی از سند حدیث که بیانگر اتصال آن به پیامبر (ص) است را ساختگی و کذب محض تلقی می‌کند.

پس از شاخت، خوتیر هندریک آلبرت یُنبل (Gualtheris (Gautier) Hendrik Albert) از این روش به‌طور گسترده استفاده کرد و آن را به جوامع حدیثی نیز تعمیم داد و گفت: عادت مدوّنان مسلمان این بود که تمام آنچه پیشینیان خود به دست آورده بودند را در مجموعه‌های تألیفی خود بگنجانند؛ از این‌رو هر یک از این جوامع را باید حاوی تمام روایات موجود در زمان و منطقه تألیف آن اثر دانست.<sup>۲</sup>

یُنبل با دادن نسبت جعل به حلقه مشترک و جعل طریق منفرد تا پیامبر (ص) توسط حلقه مشترک، تعمیمی ناروا به همه احادیث داده است. در واقع وی با محدود کردن روایات معتبر به احادیث دارای حلقه مشترک واقعی و نیز با به‌کارگیری برهان سکوت، عملاً احادیث اندکی را معتبر فرض می‌کند.

یُنبل در عرصه حدیث و تاریخ‌گذاری آن، مقالات متعددی در مجلات علمی و نیز در دائرةالمعارف قرآن و اسلام به چاپ رسانده است. پس از او، موتسکی (۱۹۴۸-۲۰۱۹م) محقق آلمانی و استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه نایمخن هلند به روش‌شناسی یُنبل انتقاد کرد.

1. J. Schacht, *the origins of Muhammadan Jurisprudence* (London: Oxford University Press, 1979), 156-167.

2. G.H.A Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods illustrated on the basis of several women - demeaning sayings from Hadith Literature," *al Qantara Revista de estudios arabes* 10, no 2 (1989): 352.

موتسکی در این باره می‌گوید: «به دلیل کمبود دسترسی به منابع کهن، چنین استنتاجی صحیح نیست و ما صرفاً با یافتن یک حدیث در یک منبع می‌توانیم نتیجه بگیریم که آن حدیث در زمان تألیف آن منبع، وجود داشته است. خاورشناسانی چون موتسکی با نقد تعمیم‌های ساخت روش ترکیبی تحلیل اسناد- متن را برای تاریخ‌گذاری احادیث به کار گرفتند»<sup>۱</sup>.

البته از لحاظ پیشینه روش تحلیل اسناد- متن، روشی نزدیک و قریب به روش‌های سنتی ارزیابی حدیث مسلمانان به شیوه فقه‌های تجمیع ظنون (جواهری) دارد. روش فقه‌های تجمیع ظنون روشی است که: «طبق آن فقیه به تجمیع ظنون مختلف در مسئله می‌پردازد و با ضمیمه کردن آنها به یکدیگر برای او وثوق و اطمینان یا ظنی که آن را بهترین طریق میسر می‌داند، نسبت به حکم شرعی در مسئله حاصل می‌شود؛ گرچه هرکدام از آن ظنون و شواهد به‌تنهایی ارزشی در استنباط ندارد یا به‌اصطلاح اصولی، حجت نباشد؛ مثلاً صاحب جواهر روایاتی می‌آورد که از تجمیع این ظنون به نتیجه می‌رسد. از این روش به «فقه ضمانتی» نیز تعبیر می‌شود، زیرا این روش به ضمیمه‌کردن شواهد و قرائن می‌پردازد. روش صاحب جواهر و اکثر فقه‌های بعد از ایشان این بوده است»<sup>۲</sup>.

شیخ انصاری از فقه‌هایی است که به‌صورت وسیع از روش تراکم ظنون در آثار فقهی و اصولی خود بهره برده است. ایشان با اینکه قائل به عدم حجیت ظن در اصول دین است، می‌گوید: «اما اینکه گاهی دیده می‌شود در بعضی از عقاید به ادله ظنی استناد شده به خاطر تقویت آن دلیل با تعدد ظواهر و سایر قرائن است که هر یک به‌تنهایی مفید ظن هستند، ولی در مجموع قطع به مسئله حاصل می‌شود»<sup>۳</sup>.

بنابراین، روشن است که حدیث، افزون بر حوزه‌های علمی، مسلمانان در غرب نیز موضوع واکاوی قرار گرفته و خاورشناسان را به بازخوانی احادیث اسلامی با سبکی نوین و نقادانه کشانده است. در دنیای اسلام نیز، دوره نوینی از پژوهش‌های نقادانه با روش‌های علمی و نوین آغاز شده است که محققان این عرصه را از کلی‌نگری به جزئی‌نگری و از اعتماد صرف و مقبولیت یکسره روایات به موشکافی و نقادی آن دعوت می‌کند تا با به‌کارگیری ابزارهای نوین پژوهشی، بار دیگر اعتبار و تاریخی بودن روایات را بررسی و سره را از ناسره جدا کنند.

1. Motzki, "Introduction – Hadith, origins and Developments," 179.

۲. ابوالقاسم علی‌دوست و محمدجواد لطفی، «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خوبی»، جستارهای فقهی و اصولی ۱۹، شماره ۲، (۱۳۹۹): ۱۴۲-۱۴۴.

۳. مرتضی انصاری، فرائد الاصول، جلد ۱ (قم: مجمع الفکر، ۱۴۲۸)، ۵۵۸؛ و مهدی خطیبی، «اعتبار سنجی تراکم ظنون در فرایند استنباط»، مجله جستارهای فقهی و اصولی ۵، شماره ۱۶ (۱۳۹۸): ۲۷.

پیگیری روند تغییرات احادیث با تاریخ‌گذاری روایات یکی از روش‌های کاوش اینگونه موضوعات است که می‌توان افزون بر تعیین تاریخ و زمان پیدایش اولیه روایات، مکان و شرایط ظهور روایت، شرایط اجتماعی، تاریخی و تغییرات فکری و فرهنگی قرون اولیه را به‌منزله شرایط حاکم بر آن عصر بازخوانی کرد. در این مهم، مقصد اثبات حجیت حدیث نیست، بلکه مقصود اصالت و اعتبار تاریخی روایات و میزان صحت و وسقم روایت به‌منزله داده‌های تاریخی مدنظر است؛ اگرچه لازم باشد که برای شناخت این منظومه فکری، روایات را به‌صورت موردی و جزئی مورد بررسی قرار دهیم. در این راه چاره‌ای جز به کارگیری روش‌های نوین در مطالعات حدیثی نداریم تا با فائق آمدن بر روش‌های فهم و نقد احادیث خود، بسط و تکامل آن را با نگاه درون‌دینی و روش‌های برون‌دینی، پالایش کنیم.

در چند سال گذشته، استفاده از روش تحلیل اسناد- متن براساس تاریخ‌گذاری احادیث، مورد مطالعه و توجه تعداد زیادی از محققان بوده است؛ از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

فروغ پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان (بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارالد موتسکی) (تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸)؛ سید علی آقایی، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد، نقد و بررسی روش‌شناسی خوئیرینبل»، علوم حدیث ۱۱، شماره ۴۱ (۱۳۸۵): ۱۴۵-۱۶۸؛ سید علی آقایی، «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد- متن: امکانات و محدودیت‌ها»، صحیفه مبین، شماره ۵۰ (۱۳۹۰): ۱۴۲-۱۰۳؛ فهیمه غلامی نژاد، «تاریخ‌گذاری روایات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) از مشایخ اهل تسنن شیخ صدوق با تأکید بر کتب عیون اخبار الرضا (ع) و خصال مبتنی بر روش تحلیل اسناد- متن» (رساله دکتری، دانشگاه کاشان، ۱۴۰۳) و فهیمه غلامی نژاد و حسین ستار، «تاریخ‌گذاری حدیث *إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ* با تکیه بر روش تحلیل اسناد و متن»، دین و دنیای معاصر ۱۰، شماره ۱ (۱۴۰۲): ۱۹-۳۸.

از جنبه‌های نوآورانه مقاله حاضر این است که اول، انواع تاریخ‌گذاری حدیث و دسته‌بندی آنها همراه با مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات آن به‌صورت مستقل معرفی و تحلیل شده است که در پژوهش‌های پیشین چنین نبوده است. دوم با بررسی دیدگاه‌های شاخص‌ترین خاورشناسان، تصویر روشن‌تری از سیر تطور اندیشه‌های آنان در تاریخ‌گذاری احادیث ارائه شده است.

## ۲. انواع تاریخ‌گذاری احادیث

از نظر موتسکی، می‌توان انواع تاریخ‌گذاری مطالعات حدیثی را به چهار دسته تقسیم کرد:

### ۲-۱. تاریخ‌گذاری بر مبنای نخستین منبع

تاریخ‌گذاری احادیث براساس جوامع و نخستین منابعی که حدیث در آنها پدیدار شده است. [تاریخ‌گذاری منبع‌گرا] را تاریخ‌گذاری بر مبنای نخستین منبع می‌نامند. اسلام‌شناسان غربی اکثراً به اسناد حدیث بدین بوده‌اند؛ از این رو افرادی چون «شاخ» بهترین راه تاریخ‌گذاری را نخستین منبعی که حدیث در آن آمده می‌دانند. به عقیده آنان، قدیمی‌ترین منبعی که حدیث در آن آمده، حد نهایی زمانی برای پیدایش حدیث است.<sup>۱</sup>

### ۲-۲. تاریخ‌گذاری بر مبنای تحلیل متن

تاریخ‌گذاری متن حدیث (تاریخ‌گذاری متن‌گرا): بسیاری از پژوهشگران غربی مانند گلدتسیهر (Goldtizer) و شاخ (Schacht) و مارستون اسپایت (Marston speight) با توجه به متن، حدیث را تاریخ‌گذاری کرده‌اند. این نوع بررسی و تاریخ‌گذاری متن حدیث به روش تحلیل صوری (شکلی) (Form analysis method) نیز نامبردار است. این روش تنها با تکیه بر متن به تاریخ‌گذاری احادیث می‌پردازد و با این روش فقط به‌طور نسبی و تقریبی می‌توان احادیث را تاریخ‌گذاری کرد و در واقع تنها با تکیه بر متن، بعید است که بتوان تاریخ نسبتاً دقیقی را از پیدایش آن ارائه داد.<sup>۲</sup>

### ۲-۳. تاریخ‌گذاری بر مبنای تحلیل اسناد

تاریخ‌گذاری سند حدیث (تاریخ‌گذاری سند‌گرا) در روش تحلیل اسناد حدیث، اسانید یک حدیث در کتب مختلف گردآوری می‌شود و این مجموعه اسنادها می‌توانند در الگوی بزرگتری به نام «دسته اسناد» یا «شبکه اسناد» ترسیم شوند؛ زیرا کشف مراحل تطور اسانید بدون بهره‌گیری از ابزار کمی دیداری، میسر نیست. در واقع هر سند یک‌رشته اسناد را پدید می‌آورد؛ از این رو در هر شبکه اسناد شاهد رشته‌های اسنادی مختلف هستیم. در شبکه اسناد، کامل‌ترین اسنادها مربوط به متأخرترین احادیث است.<sup>۳</sup>

۱. فروغ پارسا، «نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی» (رساله دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۸۷)، ۲۰۳؛ و فروغ پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان (بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارالد موتسکی) (تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸)، ۱۶۸.

2. Motzki, "Introduction – Hadith, origins and Developments," xlvii.

3. Schacht, *the origins of Muhammad an Jurisprudence*, 165.

برخی پژوهشگران غربی معتقدند که: اگر تکثیر اسانید از نظر تاریخی در سطحی گسترده انجام شده باشد، دیگر نمی‌توان روایات را از روی سندشان تاریخ‌گذاری کرد و استفاده تنها از اسناد برای تاریخ‌گذاری روایات به نتایج نادرستی می‌انجامد.<sup>۱</sup>

موتسکی نیز معتقد است که برای تاریخ‌گذاری حدیث علاوه بر سند، معیارهای متنی را نیز باید لحاظ کرد و روش تحلیل اسناد - متن را بهترین روش ممکن برای تاریخ‌گذاری حدیث می‌داند و بر آن است که همبستگی و ارتباط بین اسانید مختلف و متن‌های مختلف یک روایت، نشان‌دهنده جریان واقعی نقل است.<sup>۲</sup>

#### ۲-۴. تاریخ‌گذاری بر مبنای تحلیل اسناد - متن

تحلیل اسنادی-متنی به‌منزله واکنشی علیه شکل‌گیری نظریه حلقه مشترک به‌مثابه جاعل حدیث ایجاد شد که برای نخستین بار توسط جوزف ساخت و بعدها ینبل پیگیری شد. این فرضیه دو جنبه متضاد دارد؛ یعنی موافقان و مخالفانی در میان شرق‌شناسان دارد. موتسکی، مخالف نظریه حلقه مشترک در جایگاه جاعل حدیث است و به همین دلیل به تحلیل اسناد - متن برای اثبات نادرستی فرضیه ینبل روی آورد. موتسکی بیان می‌کند آنچه ینبل درباره جعل روایات و حدیث در نیمه قرن دوم و سوم هجری مدعی است، خطایی بزرگ است؛ زیرا صحت و اصالت حدیث را می‌توان از قرن نخست هجری نیز اثبات کرد. او معتقد است برای تصمیم‌گیری در مورد صحت انتساب حدیث، مطالعه زنجیره انتقال کفایت نمی‌کند، بلکه ضروری است تا مطالعه وسیع‌تر و عمیق‌تری در این زمینه انجام شود. از این رو، نیازمند مطالعه تخصصی اسناد و متن به‌منزله بخش مهمی از سنت به‌صورت هم‌زمان هستیم. بر این اساس، هارالد موتسکی نظریه تحلیل اسنادی-متنی را به‌منزله نظریه‌ای پیشرفته‌تر از نظریه حلقه مشترک ارائه داد.<sup>۳</sup>

روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن، امکان بازسازی تاریخچه نقل یک روایت واحد یا تاریخچه نقل جامع روایات مربوطه به آن را فراهم می‌کند؛ همچنین امکان پیشی جستن حلقه‌های مشترک و در نتیجه پر کردن بخشی از خلأ روایات را در مورد خاستگاه اسلام فراهم

1. Michel Cook, "Eschatology and the Dating of tradition," *Princeton papers in Near Eastern studies* 1 (1992): 23-47.

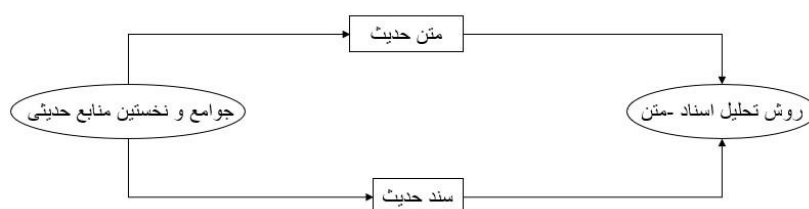
2. Harald Motzki, "Dating Muslim Traditions: A survey," *Arabica* 52, no. 2 (2005): 242-250.

3. Amin Kamaruddin, *Menguji Kembali Keakuratan Metode Kritik Hadis*, Cet. I (Jakarta: Hikmah, 2009), 253.

حدیث‌پژوهی از منظر روش‌های معاصر... / غلامی‌نژاد ۲۴۳

می‌کند.<sup>۱</sup> این روش، نمودی از هم‌افزایی نقد بیرونی و درونی است؛ می‌توان گفت: «این روش، حاصل تلفیق میان الگوهای سنتی نقد حدیث با نگرش‌های نو در نقد تاریخی متون است و گامی است که نقد اسنادی را از انفراد خود خارج می‌کند و با نقدهای محتوایی نیز مرتبط می‌کند».<sup>۲</sup> البته باید دانست که هیچ روشی جامع‌و‌مانع و بی‌نقص نیست؛ اما به نظر می‌رسد امروزه وصول به این روش‌ها برای درک و فهم و واکاوی احادیث اجتناب‌ناپذیر است.

### روش های تاریخ گذاری حدیث



### ۳. مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات کاربردی در تاریخ‌گذاری احادیث

در ادامه این نوشتار به مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مفاهیم و اصطلاحات کاربردی در تاریخ‌گذاری احادیث، که می‌تواند به فهم بیشتر مضمون متون تاریخ‌گذاری شده و انجام دادن پژوهش در این زمینه کمک کند، اشاره خواهیم کرد.

#### ۱-۳. مستشرقان و خاورشناسان

دانشمندانی که بر روی متون شرقی تحقیق می‌کنند، مستشرق یا خاورشناس (Orientalists) نامیده می‌شوند. در این پژوهش، بیشتر گروهی از آنان مورد نظر هستند که با تحقیق بر روایات اسلامی با معیارهای غربی به خصوص روش تحلیل اسناد - متن به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند؛ از جمله می‌توان از نمایندگانی همچون «هارالد موتسکی» نام برد که برای ارزیابی اعتبار و تعیین اصالت احادیث به تاریخ‌گذاری با روش تحلیل متنی - اسنادی اهتمام ورزید.

۱. هارالد موتسکی، تحلیل روایات اسلامی: مطالعاتی در احادیث فقهی، تفسیری، مغازی، ترجمه سید محمد موسوی مقدم (تهران، سمت، ۱۳۹۹)، ۲۲۸.

۲. جمعی از نویسندگان، رویکردهای نوین در حدیث‌پژوهی شیعه، به اهتمام: مرتضی سلیمان‌نژاد و دکتر سید محمدهادی گرامی (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷)، ۱۴۰.

### ۲-۳. تاریخ‌گذاری روایات

«تاریخ‌گذاری»، معادل «دانش کرونولوژی» (Chronology) است که آن را به دانش تعیین تاریخ رویدادهای تاریخی تعریف کرده‌اند.<sup>۱</sup> تعیین تقریبی زمان، مکان، پدیدآورنده و سیر تغییرات یک روایت در بستر تاریخ را تاریخ‌گذاری روایت (Dating Muslim Traditions) گویند.<sup>۲</sup> خاورشناسان غربی از روایات به‌منزله داده‌هایی تاریخی برای بازسازی تاریخ اسلام و فهم تحولات و تطورات جامعه، فرهنگ، فکر و سیاست و رسیدن به نظریه‌هایی در مورد خاستگاه و تحولات اولیه دین اسلام استفاده می‌کنند.<sup>۳</sup> بدین منظور، محققان غربی، روایات را منبعی برای بازسازی تاریخ اسلام به‌ویژه در دوره نخستین به شمار می‌آورند.

### ۳-۳. حلقه مشترک اصلی و مبدع پدیده حلقه مشترک

در نیمه دوم قرن بیستم، شاخه در سلسله اسناد متوجه روایاتی شد که در سندهای مختلف حدیث مشترک بودند. او این محدثان را «راویان مشترک» یا «حلقه‌های مشترک» نامید. حلقه مشترک (Common link (CL))، یعنی راوی مشترک در نقل‌های گوناگون از یک حدیث. به عبارت دیگر حلقه مشترک، همان راوی مشترک در اصطلاح حدیث‌پژوهان مسلمان است، اما مستشرقان از اصطلاح «حلقه» استفاده کرده‌اند تا با مفهوم زنجیره اسناد مناسب‌تر باشد.<sup>۴</sup> تحلیل سند و پدیده حلقه مشترک می‌تواند روش مناسب برای تعیین زمان و مکان پیدایش احادیث خاص باشد.<sup>۵</sup> حلقه مشترک همانند چتر باز شده است؛ یعنی راویان حدیث را از این مرجع شنیده و برای تعدادی از شاگردان نقل کرده‌اند و آنان نیز به نوبه خود برای دو یا چند شاگرد خود روایت کرده‌اند.<sup>۶</sup>

شاخه راوی‌ای را که پس از او سلسله راویان به چندین شاخه تقسیم می‌شود، حلقه مشترک می‌نامند.<sup>۷</sup> از دیدگاه شاخه حلقه مشترک نقطه اتصال میان بخش جعلی و واقعی

۱. جعفر نکونام، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، چاپ اول (تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰)، ۱.

۲. مجید معارف و سعید شفیعی، درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر، چاپ اول (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴)، ۱۰۴.

۳. جمعی از نویسندگان (مصطفی میرسلیم، غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی، احمد طاهری عراقی)، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱ (تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵)، ۵۸۷۸.

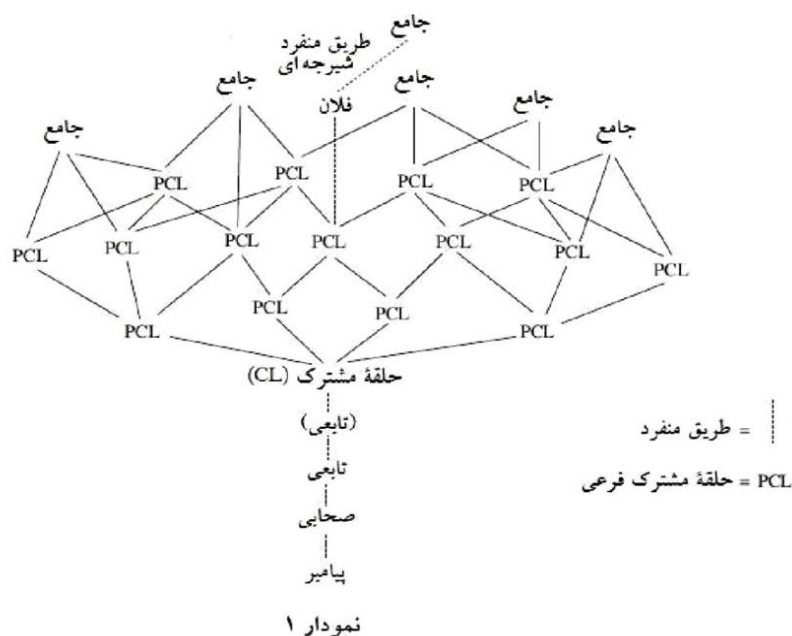
۴. پارسا، «نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی»، ۲۳۳.

۵. هارالد موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، به کوشش و ویرایش: مرتضی کریمی‌نیا (قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹)، ۴۹.

6. Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods," 351-352.

۷. موتسکی، تحلیل روایات اسلامی، ۵۸.

سند است. بخش جعلی که غالباً به صورت طریق منفرد است و از حلقه مشترک به مرجعی متقدم مثلاً یک صحابی یا پیامبر (ص) می‌رسد؛ بنابراین از نظر ساخت، حلقه مشترک نخستین کسی است که حدیث را رواج داده است.<sup>۱</sup> در واقع ساخت آن راوی را که پس از او سلسله سندها به شاخه‌های متعدد منشعب می‌شوند، حلقه مشترک نامیده است.



به نظر ساخت، وجود یک حلقه مشترک معروف در همه یا بیشتر اسنادهای یک حدیث دلیل محکمی بر آن است که حدیث در زمان آن حلقه مشترک به وجود آمده است. وی درباره ارزش حلقه مشترک می‌گوید: «وجود روایان مشترک در سلسله اسناد روایات ما را قادر می‌سازد برای روایات و آرای مندرج در آنها تاریخی قطعی تعیین کنیم».<sup>۲</sup> حتی از دیدگاه وی حلقه مشترک این قابلیت را دارد که تاریخ، بانی و خاستگاه جغرافیایی احادیث را روشن کند. او معتقد بود که وجود حلقه مشترک در سند شاهد قوی بر این مدعاست که آن سند در دوران زندگی حلقه مشترک وجود داشته و به این دلیل است که ساخت معتقد است: «حلقه مشترک نشانگر زمان و مکان پیدایش احادیث است».<sup>۳</sup> از این رو حلقه مشترک، ابزاری مفید است که

1. Schacht, *the origins of Muhammadan Jurisprudence*, 172.

۲. آفایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۳.

۳. آفایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۷۱.

با استفاده از آن می‌توان به تاریخ تقریبی و منشأ احتمالی حدیث رسید. به بیان استعاری، حلقه مشترک، آن راوی است که تنه درخت را به شاخه‌هایش وصل می‌کند. ارزیابی و مقایسه رشته‌های مختلف اسناد و دقت در اسامی آنها سبب مشخص شدن حلقه مشترک می‌شود. امروزه اصطلاح راوی مشترک، جای خود را به اصطلاحات «چهره شاخص» یا حلقه مشترک داده است. به عقیده نینل، اصطلاح «مدار» با اینکه در کتاب‌های مصطلح الحدیث نیامده، ولی این اصطلاح عالمان مسلمان یقیناً معادل حلقه مشترک یا حلقه مشترک ظاهری است. توضیح آنکه مدارالاسناد به حلقه‌ای در سند می‌گویند که: «راویان حدیث را از او گرفته‌اند و او حدیث را به پیامبر (ص) رفع می‌دهد. در واقع حلقه مشترک، آن شخصی است که همه اسناد به او می‌رسد، یک طریق یا دو طریق و یا بیشتر، ولی او در حدیث منفرد است، بنابراین، این شخص محلی است که سند بر دور او می‌چرخد به همین دلیل وی مدارالاسناد گفته شده است»<sup>۱</sup>.

نینل از الکامل فی ضعف الرجال ابن عدی به منزله کهن ترین منبع، که اصطلاح حدیثی «مدار» را به کار بسته و بهره برده است، نام می‌برد.<sup>۲</sup> در مقابل، خالد ازکان در مقاله‌ای با عنوان «حلقه مشترک و ارتباطش با مدار» کوشیده است ضمن بررسی کاربردهای مختلف این اصطلاح حدیثی از سوی عالمان مسلمان در دوران متقدم و متأخر و معاصر، مدعای نینل را رد کند.

پرسش این است که چرا واژه «مدار» با وجود برخی کاربردهای کهن و کثرت کاربرد نزد محدثان سده‌های چهارم به بعد، هیچ‌گاه به مثابه اصطلاح تخصصی در کتاب‌های مصطلح الحدیث استفاده نشده است. پاسخ ازکان این است: «وقتی می‌گوییم فلانی مدار حدیث است؛ بر اینکه آن شخص ضعیف یا ثقه است دلالتی ندارد،<sup>۳</sup> بلکه حاکی از آن است که آن راوی که به عنوان مدار شناخته شده، چهره شاخص در سند برای نقد حدیث است و لذا نخستین کار تعیین حال او است و احتمالاً هر حکمی درباره حدیث بستگی به وضع این شخص دارد، یعنی حال این راوی می‌تواند کیفیت حدیث را مشخص کند. در حقیقت مدار

۱. بی‌بی زینب حسینی و علیہ رضاداد، «نقد دیدگاه مستشرقان درباره حلقه مشترک با تکیه بر حدیث شیعه»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث ۲۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۵۹.

۲. سید علی آقایی، «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، تاریخ و تمدن اسلامی ۸، شماره ۱۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۱): ۶۲.

۳. آقایی، «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، ۸۴؛ و

Halit Ozkan, "the common link and its Relation to the Madar," *Islamic Law and society* 11, No. 1 (2004): 42-77.

حدیث پژوهی از منظر روش‌های معاصر... / غلامی‌نژاد ۲۴۷

میانبری است که ارزیابی احادیث را تسهیل می‌کند.<sup>۱</sup> اگر اصطلاح «مدار» همان حلقه مشترک یا حلقه مشترک ظاهری به معنای شاخه‌ی - ینبلی باشد، وجود مدارهایی در طبقه صحابه - نخستین نسل از صحابه بانی صورت‌بندی و نشر احادیث بوده‌اند - دلیلی بر وثاقت بسیاری از احادیث است.

### ۳-۴. حلقه مشترک فرعی یا جزئی

راویانی که حدیث را از حلقه مشترک شنیده و آن را برای شاگردان بعد از خود نقل کرده‌اند، «حلقه مشترک فرعی یا جزئی» (Partial common link (pcl)) نامیده می‌شوند.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر حلقه مشترک فرعی (گره) (Knot)، راوی‌ای است که خود شاگردانی داشته است و آنها روایت را از او نقل می‌کنند.<sup>۳</sup>

بنابراین، حلقه مشترک فرعی راوی است که در طبقات پس از حلقه مشترک قرار گرفته و حدیث را برای بیش از دو شاگرد نقل کرده است.<sup>۴</sup> این نقاط در سلسله اسناد را «گره» نیز می‌نامند. حلقه مشترک فرعی به اختصار (pcl) خوانده می‌شود.<sup>۵</sup> «به عقیده اسلام‌شناسان غربی اعتبار گره‌ها از دیگر نقاط بیشتر است، زیرا در آن نقاط، تراکم روایت به اندازه کافی زیاد است که نمی‌توان اعتبار روایت را به سادگی انکار نمود».<sup>۶</sup> به تعبیری دیگر در دسته اسناد اگر خطوط روایت حول یک راوی جمع شود، خواه به آن برسد یا از آن منشعب شود، اعتبار آن نقل، محتمل‌تر است.<sup>۷</sup>

### ۳-۵. حلقه مشترک ظاهری

اگر پایین‌ترین حلقه مشترک، فقط یک حلقه مشترک فرعی داشته باشد که روایت از وی نقل می‌شود و در کنار آن، ناقلان منفردی فقط با یکی دو شاگرد وجود داشته باشند، پایین‌ترین حلقه مشترک را باید حلقه مشترک ظاهری (Seeming common link) دانست. در چنین مواردی، می‌توان حلقه مشترک ظاهری را نادیده گرفت و پیدایش حدیث را به حلقه مشترک

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۹۰.

۲. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۳۱۴.

3. Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods," 354-356.

۴. فاطمه دسترنج، «بررسی تطبیقی مبانی و روش‌های حدیث پژوهی جیمز رابسون و خوتیر ینبل»، دوفصلنامه حدیث پژوهشی ۱۱، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۳۲۸.

۵. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۳۱۴.

۶. پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان، ۱۷۵.

7. Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods," 352.

فرعی از طبقات بعدی نسبت داد.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر در یک شبکه اسناد، اگر دارای چندین حلقه مشترک فرعی باشیم در این صورت حلقه مشترک حقیقی و واقعی خواهیم داشت و اگر تعداد حلقه‌های مشترک فرعی یک حلقه مشترک کم باشد، او را به جای حلقه مشترک، «حلقه مشترک ظاهری» می‌نامیم. در حلقه مشترک ظاهری به جای طرق حاوی حلقه‌های مشترک فرعی، چند طریق منفرد داریم؛ به گونه‌ای که گویا به نظر می‌رسد در آن نقطه گرهی شکل گرفته است؛ از این رو به دلیل نبود حلقه‌های مشترک فرعی این حلقه مشترک، حلقه مشترک حقیقی نیست. پس حلقه مشترک ظاهری در شبکه‌ای ظاهر می‌شود که دو یا چند طریق منفرد در یک راوی شبیه حلقه مشترک به هم می‌رسند، اما این راوی به دلیل نداشتن حلقه‌های مشترک فرعی، حلقه مشترک واقعی نیست. به تعبیر دیگر، فقط آن خطوط نقلی را می‌توان از حیث اعتبار تاریخ معتبر دانست که در شبکه اسناد بین حلقه مشترک اصلی و مؤلفان جوامع، حلقه‌های مشترک فرعی نیز وجود داشته باشد. بنبل این موارد را «حلقه مشترک واقعی (حقیقی)» نام می‌نهد که باید از حلقه مشترک ظاهری تفکیک شوند. به عقیده وی حلقه مشترک واقعی، فقط در طبقه تابعین و پس از آنان دیده می‌شود.<sup>۲</sup>

### ۳-۶. حلقه مشترک معکوس

راوی روایتی، که خبری را از دو یا چند شیخ شنیده و برای یک یا چند شاگرد نقل می‌کند، حلقه مشترک معکوس (Partial common link Inverse (Ipcl)) نام دارد. برای مثال، جامعان حدیث مانند مسلم و ابن حنبل که چند طریق نقل را برای روایات خود می‌آورند.<sup>۳</sup>

### ۳-۷. طریق (رشته) منفرد

طریقه منفرد (Single strand) عبارت است از پایین‌ترین حلقه مشترک که محل اتصال قسمت‌های مجعول و بخش اصیل در سندهای یک روایت است.<sup>۴</sup> به عبارت دیگر در بخش پایینی سند دو یا سه نفر از متقدم‌ترین افراد وجود دارند که رشته منفرد از اسامی را تشکیل می‌دهند. این طریق (رشته) منفرد می‌تواند شامل پیامبر (ص)، یک صحابی و یک تابعی و دیگر اسامی راویان باشد.<sup>۵</sup>

۱. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۵۱.

۲. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۵۱.

۳. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۳۲۶.

۴. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۴۸.

5. G.H.A, Juynboll, "Nafi The mawla of ibn umar and his position in Muslim Hadith literature. Der Islam," walterde Gruyter 70 (1993): 209-210.

حدیث‌پژوهی از منظر روش‌های معاصر... / غلامی‌نژاد ۲۴۹

جایی که اسناد از پیامبر (ص) به یک صحابی و یا به یک تابعی و در نهایت به حلقه مشترک می‌رسد، طریق منفرد آن حدیث است.<sup>۱</sup> در طریق منفرد، حلقه مشترک به هنگام نشر حدیث فقط یکی از طرق نقل را ذکر کرده است و دیگر طرقی که همین متن احتمالاً به واسطه آنها روایت شده است، فراموش شده‌اند؛ به این دلیل که هیچ‌یک از نخستین گردآورندگان، آنها را نقل نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

ینبل معتقد است: «طرقی که حاوی حلقه مشترک فرعی (گره) هستند و طرق منفرد با یکدیگر فرق دارند و اولی تاریخی و دومی جعلی است و در این باره می‌گوید: می‌توانیم به تاریخی بودن نقل‌ها در نقاط گره قائل شویم، یعنی آنجاهایی که تعدادی از طرق نقل روایت از یک PCI به شاگردانش موجود است و در مقابل یک طریق منفرد نمی‌تواند بهره‌ای از تاریخی بودن داشته باشد».<sup>۳</sup>

### ۳-۸. ساختار عنکبوتی

وقتی حلقه مشترک از تعداد کمی (سه تا یا کمتر) حلقه مشترک فرعی یا فقط از یک طریق منفرد تشکیل شده باشد، نام آن ساختار عنکبوتی خواهد بود.<sup>۴</sup> وقتی چند طریق منفرد در یک حلقه مشترک ظاهری که به اندازه کافی حلقه مشترک فرعی پذیرفتنی ندارد به هم می‌رسند، ساختار اسناد این روایت را «عنکبوت» می‌نامیم. به عبارت دیگر «اسناد عنکبوتی» یعنی اسنادی که خطوط نقل بین حلقه مشترک و مؤلفان جوامع، طرق منفرد است.<sup>۵</sup> در نگاه نخست گویا یک شخصیت کلیدی دارد که ظاهراً حلقه مشترک است و از آن چند طریق منشعب می‌شوند که نهایتاً به جوامع حدیثی می‌رسند؛ اما با بررسی دقیق‌تر، معلوم می‌شود همه این طرق، طرق منفردند؛ به دیگر سخن، هیچ‌یک از روایان، بیش از یک شاگرد ادعایی ندارد؛ بنابراین در تفسیر نمودارهایی که به شکل عنکبوت هستند، باید گفت که آنها از بالا به پایین رشد کرده‌اند. به عبارت دیگر، روایان متأخر برای پر کردن فاصله زمانی بین خود و یک مدار متقدم، طرق منفردی را جعل نموده‌اند؛ از این رو باید فاقد اعتبار تاریخی تلقی شوند.<sup>۶</sup>

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۱۷۵.

۲. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۳۳۷.

۳. سید علی آقایی، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد، نقد و بررسی روش‌شناسی خویتربنبل»، علوم حدیث، ۱۱، شماره ۴۱ (۱۳۸۵): ۱۵۲.

4. Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods," 380.

۵. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۵۱.

۶. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۲۹۳-۲۹۴.

### ۳-۹. رشد وارونه اسانید (گسترش قهقرایی اسانید)

اگر اسناد حدیثی به طبقه متأخر مثل طبقه تابعین ختم شود و بار دیگر همان حدیث با اسنادی، که به مرجع بالاتری مثل صحابه می‌رسد، ظاهر شود، اسناد دومی جعلی است و در نتیجه رشد قهقرایی اسناد به وجود آمده است. ساخت این کار را «رشد وارونه اسانید یا گسترش قهقرایی اسانید» (Backward growth of isnads) (النمو العکسی للإسناد) نامیده است.<sup>۱</sup>

ساخت می‌پندارد که «جاعلان به دلیل اینکه حدیثی را معتبر جلوه دهند، سعی می‌کردند مراجع متقدم را بر اسناد آن اضافه کنند؛ برای مثال، نام پیامبر (ص) را به سند روایتی بیفزایند که در اصل به یکی از صحابه می‌رسیده است. وی این کار را رشد وارونه اسانید نامید».<sup>۲</sup> در حقیقت رشد وارونه اسانید یعنی افزودن اسامی و مراجع قدیمی‌تر به سند روایت برای ترقی سند آنکه این اسناد جعلی و سیر قهقرایی احادیث نیز عموماً هدفمند هستند؛<sup>۳</sup> مثلاً نام پیامبر (ص) را به سند روایتی اضافه کنند که در اصل به یکی از صحابه می‌رسیده است. پدیدار گسترش قهقرایی اسانید را علمای اسلامی، «رفع» یعنی «بالا بردن زنجیره روایان» می‌نامند.<sup>۴</sup>

مراد از رشد وارونه سندها آن است که: «روایاتی که موقوف یا مقطوع بوده‌اند در گذر زمان به روایات مرسل، مرفوع و در نهایت مسند بدل شده‌اند. به عبارتی دیگر، سند روایاتی که در بردارنده اقوال و آرای صحابه، تابعین و حتی اشخاصی از دوره‌های بعد از تابعین بوده‌اند به احادیث نبوی بدل شده‌اند».<sup>۵</sup>

### ۳-۱۰. تکثیر اسانید و طرق

ساخت مدعی بود که: «روایات حدیث در همه دوره‌ها، حتی مؤلفان جوامع بزرگ حدیثی، خود در ایجاد رشته‌های جعلی سند دست داشته‌اند، ساخت این‌گونه اعمال موردادعا را تکثیر اسانید و طرق (Spread of Isnads) نامید. به نظر وی تکثیر سند، یعنی ساختن مراجع یا روایان فزون‌تر برای یک روایت».<sup>۶</sup> وی مدعی شد که: «برخی افراد روایات را با استفاده از نام

1. Schacht, *the origins of Muhammadan Jurisprudence*, 161 and 171.

۲. پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان، ۹۱.

۳. موتسکی، تحلیل روایات اسلامی، ۲۳۸.

4. Schacht, *the origins of Muhammadan Jurisprudence*, 165-166.

۵. سید علی آقایی، «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، صحیفه مبین، شماره ۴۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۷۷.

۶. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۵۵.

حدیث پژوهی از منظر روش‌های معاصر... / غلامی نژاد ۲۵۱

شخص دیگری رواج می‌دادند او اینگونه اعمال را تکثیر اسانید و طرق نامید.<sup>۱</sup> جوزف شاخ و میخائیل کوک این پدیده را انتشار اسانید و یونبول آن را «غور» (Diving) می‌نامند.<sup>۲</sup> ینبل برای طرق متابعات<sup>۳</sup> و شواهد، اصطلاح جدید «طریق شیرجه‌ای (غور)» را وضع نموده است.<sup>۵</sup>

کوک نیز سه گونه مختلف تکثیر سند را نام می‌برد: «گونه نخست آن است که راوی روایتی را که صرفاً از یکی از معاصران یا هم‌شاگردی‌هایش دریافت کرده است به استاد وی نسبت می‌دهد و با این کار مروی‌عنه واقعی‌اش را در سند مخفی می‌کند. آن استاد با این شگرد، حلقه مشترک می‌شود، در حالی که واقعاً چنین نیست. گونه دوم برای «تکثیر سندها» این است که راوی نه تنها مروی‌عنه بی‌واسطه‌اش را مخفی کرده است، بلکه استاد خود را به جای استاد وی می‌نشانند. به این ترتیب، این راوی در دو طبقه پیش از خود حلقه مشترک غیر واقعی می‌سازد، زیرا مروی‌عنه ساختگی او و استاد مروی‌عنه واقعی‌اش، شاگردان یک مرجع متقدم انگاشته می‌شوند؛ بنابراین در این مورد، یک راوی ساختگی اضافه شده است. گونه سوم درباره اقسام محتمل جعل و تکثیر سندها این است که از دیدگاه کوک عملاً همه سندها جعل شده‌اند و دلخواه به روایات اضافه شده‌اند.<sup>۶</sup> دیدگاه‌های وی از نظر تاریخی بسیار مبهم و نامعلوم‌اند و فرض اینکه جعل در مقیاس گسترده درباره روایات گردآوری شده در جوامع حدیثی، همگی محل تردیدند؛ همچنین وی برای ادعاهای خود مبنی بر تکثیر سندها در مقیاسی وسیع، تنها شواهدی معدود و نمونه‌هایی اندک ارائه کرده است.<sup>۷</sup> در زیر نموداری از طریق شیرجه‌ای نشان داده شده است:

۱. پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان، ۹۱.

۲. «جعل و شاخ و برگ‌های اضافی در سند روایت به این منظور صورت می‌پذیرفت که نام حلقه مشترک را پنهان کنند. جعل عناصر سند برای پنهان کردن نام حلقه مشترک را شیرجه (diving) می‌نامند».

Juynboll, "Some Isnad-Analytical Methods," 366-370.

این اصطلاح بر طریق ساختگی نقل دلالت می‌کند، یعنی «راوی متأخر به زیر حلقه مشترک شیرجه (dive) می‌زند و خود را به مرجعی کهن‌تر از حلقه مشترک می‌رساند». جمعی از نویسندگان، رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه، ۲۲۷.

G.H.A Juynboll, "Early Islamic society as reflected in its use of Isnad," *n Le Museon.revuedetudes orientales* 107 (1994): 153-156.

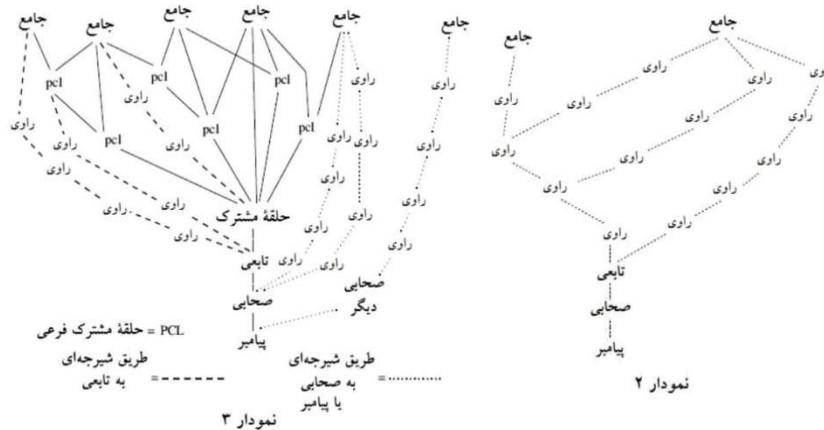
۳. موتسکی، تحلیل روایات اسلامی، ۲۵۶.

۴. متابعات به معنای رونویسی کردن از روایت یک محدث هم‌قطار با ادعای نقل از همان شیخ. روایاتی که بدین نحو رونویسی و با طرق متابع همراه شده‌اند، متابعات نامیده می‌شوند. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۳۱.

5. G.H.A Juynboll, *Studies on the Origins and Uses of Islamic Hadith* (Aldershot: variorum collected studies series, 1996).

6. Michel Cook, *Early Muslim Dogma* (Cambridge: Cambridge university press, 1981), 110-111.

۷. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۵۵-۵۸.



### ۱۱-۳. برهان سکوت

برهان مبتنی بر سکوت به استنتاجی اطلاق می‌شود که بر سکوت یا فقدان شاهد مخالف استوار است.<sup>۱</sup> شاخص معتقد بود که: بهترین راه برای اثبات اینکه روایتی در فلان زمان وجود نداشته، این است که مسئله یا مناقشه‌ای پیدا کنیم که در آن، هیچ‌کس این روایت را حجت فقهی خود قرار نداده باشد؛ حال آنکه اگر چنین روایتی وجود داشت، استناد به آن حتمی و قطعی بود.<sup>۲</sup> تاریخ‌گذاری بر مبنای برهان سکوت (An argument from silence = e silentio argument) مبتنی بر آن است که روایت پیش از زمان تألیف جامعی، که روایت نخستین بار در آن یافت شده، وجود نداشته است.<sup>۳</sup> تاریخ‌گذاری بر مبنای برهان مبتنی بر سکوت - روایت پیش از زمان تألیف جامعی که روایت نخستین بار در آن یافت شده، وجود نداشته است - غیر قابل اعتماد بوده و بسیار قدیمی شده است.<sup>۴</sup>

### ۱۲-۳. هم رویداد

در اسناد روایات سلسله‌های منفرد هم‌عرضی وجود دارد که متون مشابهی را عیناً نقل می‌کنند. این استقلال در نقل به این معنا است که در یک جامعه، افراد بسیاری آموزه‌های دینی را برای افراد بیشتری نقل می‌کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۳۴.

2. Schacht, *the origins of Muhammad an Jurisprudence*, 140.

۳. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۴۰.

۴. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۷۹.

۵. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۳۱۸.

### ۳-۱۳. حد اولیه زمانی (حد زمانی آغازین)

اصطلاح حد اولیه زمانی (حد زمانی آغازین) (Terminus post quem) بیانگر حدود آغازین برای تاریخ‌گذاری وقایع تاریخی است. به بیان دیگر برزودترین زمانی که ممکن است یک واقعه تاریخی اتفاق افتاده باشد، دلالت می‌کند. به این معنا که رخداد آن واقعه پیش از آن زمان، محتمل نیست. به عبارت دیگر، اولین حد زمانی ممکن برای رخداد یک واقعه تاریخی است. مثلاً اگر در سندی به واقعه تاریخی معینی با تاریخ مشخص اشاره شده باشد، زمان رخداد آن واقعه، حد زمانی آغازین نگارش آن سند محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> پس اگر در روایتی، نکته‌ای دال بر واقعه تاریخی قدیمی‌تری داشت؛ یعنی روایت پیش از تألیف قدیمی‌ترین منبع (مهد پیدایش) وجود داشته است.<sup>۲</sup>

### ۳-۱۴. حد نهایی زمانی

اصطلاح حد زمانی پایانی (حد نهایی زمانی) (Terminus ante quem) بیانگر حدود پایانی برای تاریخ‌گذاری وقایع تاریخی است؛ بدین معنا که «حاکمی از دیرترین زمان ممکن برای رخداد آن واقعه بوده و بیانگر آن است که آن واقعه نمی‌توانسته پس از آن زمان اتفاق افتاده باشد».<sup>۳</sup> پس قدیمی‌ترین منبعی، که روایتی را در آن می‌یابیم، حد نهایی زمان است، یعنی این روایت دست‌کم در زمان تألیف یا تدوین این کتاب حتماً وجود داشته است.<sup>۴</sup>

### ۳-۱۵. مهد پیدایش

برخی همچون شاخ و ینبل مدعی شدند که: «زمان و مکان قدیمی‌ترین منبع، مهد پیدایش (Breeding ground) آن روایت بوده است؛ به این معنا که این روایت پیش از تألیف آن منبع وجود نداشته است».<sup>۵</sup>

### ۳-۱۶. گوهر اصلی روایت (هسته اصلی روایت)

هسته اصلی روایت که جان کلام روایت را بیان می‌کند و مهم‌ترین قسمت از یک روایت است و در همه نسخه‌های مورد بررسی و تحلیل اسناد - متن وجود دارد را گوهر روایت یا هسته اصلی روایت می‌نامند که معمولاً در تیترو عنوان تاریخ‌گذاری روایات نیز به همان قسمت مختصر و موجز و هسته اصلی اشاره می‌کنند.

۱. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۳۶.  
۲. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۵۴.  
۳. آقایی، تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها، ۳۶.  
۴. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۵۴.  
۵. موتسکی، حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور، ۵۴.

#### ۴. یافته‌ها و نتیجه‌گیری

این پژوهش نخستین تدوین جامع و مستقل انواع روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث از منظر خاورشناسان معاصر به‌ویژه روش تحلیل اسناد-متن را ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تاریخ‌گذاری احادیث فقط به‌صورت انفرادی (با تحلیل متن یا سند) ناکارآمد است؛ بلکه تحلیل توأمان اسناد و متون به‌منزله روشی جامع و کامل‌تر، امکان بازسازی دقیق‌تر سیر تطور روایات، شناسایی اختلافات اسانید، تعیین هسته اصلی روایات و بازیابی فضای تاریخی و فکری راویان را فراهم می‌کند.

همچنین، شناسایی و تبیین مفاهیم کلیدی نوپدید مانند حلقه مشترک (CL)، حلقه مشترک فرعی (PCL)، طریق منفرد، ساختار عنکبوتی، رشد وارونه اسانید و برهان سکوت، که تاکنون در منابع فارسی به‌صورت نظام‌مند و جامع بررسی نشده بود، یکی از مهم‌ترین رهاوردهای این پژوهش است. این اصطلاحات نه‌تنها ابزارهای تحلیلی هستند، بلکه چهارچوبی نظری برای درک مکانیسم‌های جعل، انتقال و تغییر روایات در قرون اولیه اسلام ارائه می‌دهند.

در ضمن معرفی روش‌ها نشان دادیم که ساخت با تعمیم بی‌پروا همه احادیث فقهی را جعلی دانست و سند آنها را بدون هرگونه شواهد تاریخی دقیق به‌طور کلی رد کرد که با شواهد متعدد اتصال سندها از قرن سوم تا پیامبر (ص) در تدوین‌های اولیه در تضاد است. ینبل با به‌کارگیری برهان سکوت و تعریف ضیق از حلقه مشترک واقعی، بیشتر احادیث را غیر قابل اعتماد معرفی کرد که نه‌تنها با منابع اسلامی در تناقض است، بلکه از نظر تاریخی این گزاره مردود است؛ همچنین استفاده از «مهد پیدایش» و «حد نهایی زمانی» به‌منزله معیار انحصاری برای تعیین تاریخ احادیث، نادیده گرفتن تداوم انتقال شفاهی و وجود منابع اولیه پراکنده (غیرمنتشر) را در قرون اولیه اسلام می‌طلبد.

در نتیجه می‌توان گفت این پژوهش با تمرکز بر دیدگاه‌های ساخت، ینبل و موتسکی، نمایی واضح از تحول نظریه‌های تاریخ‌گذاری احادیث از تعمیم‌های کلی و شکاکانه به روش‌های تحلیلی دقیق‌تر و مبتنی بر شواهد فراهم کرده است و نشان می‌دهد روش‌های خاورشناسان، علیرغم نقدهای موجه، ابزارهای سودمندی برای احیای اعتبار تاریخی احادیث و تمایز سره از ناسره ارائه می‌دهند؛ بنابراین، تلفیق این روش‌ها با نگاه درون‌دینی، می‌تواند نوعی حدیث‌پژوهی علمی و قابل اتکا را در مطالعات اسلامی فراهم کند.

## سیاهه منابع

### الف-منابع فارسی:

- آقایی، سید علی. «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد، نقد و بررسی روش‌شناسی خوئین‌نیل»، علوم حدیث ۱۱، شماره ۴۱ (۱۳۸۵): ۱۴۵-۱۶۸.
- آقایی، سید علی. «تاریخ‌گذاری احادیث بر مبنای روش تحلیل ترکیبی اسناد-متن: امکانات و محدودیت‌ها»، صحیفه مبین، شماره ۵۰ (۱۳۹۰): ۱۰۳-۱۴۲.
- آقایی، سید علی. «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، تاریخ و تمدن اسلامی ۸، شماره ۱۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۱): ۵۹-۹۷.
- آقایی، سید علی. تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها. تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۴.
- آقایی، سید علی. «مواجهه محدثان مسلمان با پدیده رشد وارونه سندها»، صحیفه مبین، شماره ۴۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۱۷۵-۲۰۲.
- انصاری، مرتضی. فرائد الاصول. چاپ نهم. قم: مجمع الفکر، ۱۴۲۸.
- پارسا، فروغ. «نقد و بررسی پژوهش‌های حدیثی هارالد موتسکی» رساله دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۸۷.
- پارسا، فروغ. حدیث در نگاه خاورشناسان (بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارالد موتسکی). تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸.
- جمعی از نویسندگان (مصطفی میرسلیم، غلامعلی حداد عادل، نصرالله پورجوادی و احمد طاهری عراقی). دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- جمعی از نویسندگان. رویکردهای نوین در حدیث‌پژوهی شیعه. به اهتمام: مرتضی سلمان‌نژاد و دکتر سید محمدهادی گرامی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.
- حدادی، آمنه. «تحلیل انتقادی کارکرد حلقه مشترک در بازبایی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی کتاب الکافی» رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۰۰.
- حسینی، بی‌بی زینب، و علی‌رضا داد. «نقد دیدگاه مستشرقان درباره حلقه مشترک با تکیه بر حدیث شیعه»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث ۲۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۵۱-۸۴.
- خطیبی، مهدی. «اعتبار سنجی تراکم ظنون در فرایند استنباط»، مجله جستارهای فقهی و اصولی ۵، پیاپی ۱۶ (۱۳۹۸): ۷-۳۴.
- دسترنج، فاطمه. «بررسی تطبیقی مبانی و روش‌های حدیث‌پژوهی جیمز رابسون و خوئین‌نیل»، دوفصلنامه حدیث‌پژوهشی ۱۱، شماره ۲۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸): ۳۱۷-۳۳۸.
- ربعان، معصومه. «تاریخ‌گذاری احادیث مذمت حضور اجتماعی زنان در منابع فریقین بر اساس روش ترکیبی تحلیل اسناد و متن» رساله دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۹۷.

۲۵۶ دین دنیای معاصر / سال ۱۲ / شماره ۱ / پیاپی ۲۲ / صص ۲۳۵-۲۵۷

زارعی، زهرا. «تحلیل اسناد متن روایات تحریف نمای کافی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۸.

سیوطی، جلال‌الدین. شرح سیوطی بر تقریب نووی با عنوان تدریب الراوی. قاهره: چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، ۱۹۶۶.

شم‌آبادی، مرضیه. «تاریخ‌گذاری روایات اختفاء سر»، مطالعات فهم حدیث ۲ (۱۴۰۰): ۹۳-۱۱۶.  
شیری محمدآبادی، مرجان. «تحلیل کارکرد تاریخ‌گذاری روایات جعلی در شناخت جامعه اسلامی در سده‌های نخستین: مطالعه موردی روایات ناسازگار با منزلت پیامبر (ص) در صحیح بخاری» رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۴۰۰.

علیدوست، ابوالقاسم، و محمدجواد لطفی. «مقایسه روش اجتهادی صاحب جواهر و محقق خویی»، جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۲، پیاپی ۱۹ (۱۳۹۹): ۱۳۷-۱۶۷.  
غلامی‌نژاد، فهیمه. «تاریخ‌گذاری روایات فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) از مشایخ اهل تسنن شیخ صدوق با تأکید بر کتب عیون اخبارالرضا (ع) و خصال مبتنی بر روش تحلیل اسناد-متن» رساله دکتری، دانشگاه کاشان، ۱۴۰۳.

غلامی‌نژاد، فهیمه، و حسین ستار، محمدحسن صانعی‌پور، فاطمه علایی رحمانی. «بررسی نقش شیخ صدوق در انتقال روایت مناقب هجده‌گانه علی (ع) به منابع شیعه با تکیه بر روش تحلیل اسناد-متن»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش ۲۰، شماره ۲، پیاپی ۵۵ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲): ۸۱-۹۷.

غلامی‌نژاد، فهیمه، و حسین ستار، محمدحسن صانعی‌پور (۱۴۰۳.ه.ش). «تاریخ‌گذاری حدیث «هم خَيْرٌ مَنْ يَشْرَبُ صَوْبَ الْعَمَامِ» در موضوع ولایتعهدی و مناقب امام رضا (ع)»، دوفصلنامه تاریخ اهل بیت (ع) ۴، شماره ۷ (پاییز و زمستان ۱۴۰۳): ۸۹-۱۰۷.

غلامی‌نژاد، فهیمه، و حسین ستار. «تاریخ‌گذاری روایت "إِنِّي أُوتِيْتُ الْكِتَابَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ" با تکیه بر روش تحلیل اسناد و متن»، دین و دنیای معاصر ۱۰، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۸ (بهار و تابستان ۱۴۰۲): ۳۸-۱۹.

فقهی زاده، عبدالهادی، و سعید شفیعی. «تاریخ‌گذاری حدیث (علیکم بسنتی و سنه الخلفاء الراشدين)»، روش تاریخ‌گذاری سند-متن»، دوفصلنامه حدیث پژوهی ۷ (۱۳۹۴): ۷-۳۲.  
معارف، مجید، و سعید شفیعی. درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.

مهدوی راد، محمدعلی، و نصرت نیل‌ساز. «تاریخ‌گذاری تفسیر منسوب به ابن عباس»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث (۱۳۸۵): ۲۷-۶۴.

موتسکی، هارالد. حدیث اسلامی خاستگاه و سیر تطور. به کوشش و ویرایش: مرتضی کریمی‌نیا. قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.

حدیث پژوهی از منظر روش‌های معاصر... / غلامی‌نژاد ۲۵۷

موتسکی، هارالد. تحلیل روایات اسلامی: مطالعاتی در احادیث فقهی، تفسیری، مغازی. مترجم: سید محمد موسوی مقدم. تهران، سمت، ۱۳۹۹.  
نکونام، جعفر. درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن. چاپ اول. تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰.

ب- منابع لاتین:

Cook, Michel. "Eschatology and the Dating of tradition." *Princeton papers in Near Eastern studies* 1 (1992): 23-47.

Cook, Michel. *Early Muslim Dogma*. Cambridge: Cambridge university press, 1981.

Juynboll, G.H.A. "Early Islamic society as reflected in its use of Isnad." *n Le Museon. revue d'etudes orientales* 107 (1994): 151-194.

Juynboll, G.H.A. "Nafi The mawla of ibn umar and his position in Muslim Hadith literature. *Der Islam*." *walterde Gruyter* 70 (1993).

Juynboll, G.H.A. *Studies on the Origins and Uses of Islamic Hadith*. Aldershot: variorum collected studies series, 1996.

Juynboll, G.H.A. "Some Isnad-Analytical Methods illustrated on the basis of several women -demeaning sayings from Hadith Literature." *al Qantara Revista de estudios arabes* 10, fasc. 2, Madrid (1989): 343-383.

Kamaruddin, Amin. *Menguji Kembali Keakuratan Metode Kritik Hadis*. Cet. I. Jakarta: Hikmah, 2009.

Motzki, Harald. "Dating Muslim Traditions: A survey." *Arabica* 52, no. 2 (2005): 204-253.

Motzki, Harald. "Introduction – Hadith, origins and Developments." In *Hadith*, Edited by H. Motzki, Harald, xii-xliii. Aldershot: 2004.

Motzki, Harald. *The Biography of Muhammad the Issue of The sources*. Leiden: Brill, 2000.

Ozkan Halit. "The common link and its Relation to the Madar." *Islamic Law and society* 11, no. 1 (2004).

Schacht, J. *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*. London: Oxford University Press, 1979.